بسم الله الرحمن الرحیم

تاریخچه ایام فاطمیه؛
قدمت گزارش‌های شهادت حضرت زهرا علیها السلام و عزاداری بر او

به اهتمام: محمد علی حمیدی سیستانی

۲۱ آبان‌ماه ۱۴۰۵ (۲ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸)

www.HamidiSistani.ir

https://t.me/FeraqLearn

HamidiSistani@gmail.com

هر سال با رسیدن جمادی‌الاول و جمادی‌الثانی، این پرسش هم تکرار می‌شود که سوگ حضرت زهرا علیها السلام از چه زمانی آغاز شد و آیا گزارش شهادت ایشان ساختهٔ قرن‌های اخیر است. برخی می‌گویند ایام فاطمیه و حتی شهادت حضرت زهرا علیها السلام در چند دههٔ اخیر و با تعطیل رسمی شدن آن در ایران ساخته شده است. **تاریخچه ایام فاطمیه** را باید در گزارش‌هایی جست که قرن به قرن در کتاب‌ها ثبت شده‌اند؛ گاه در کتاب‌های حدیث شیعه، و گاه در کتاب مخالفانی که آن را برای رد کردن آورده‌اند. این نوشتار، قدیمی‌ترین گزارش‌ها را به ترتیب زمان کنار هم می‌گذارد.

پاسخ کوتاه: ضرار بن عمرو، متکلم معتزلی (درگذشته حدود سال‌های ۱۷۰ تا ۲۳۰ هجری قمری)، آسیب دیدن حضرت زهرا علیها السلام و سقط جنینش را **باور شیعیان روزگار خود** شمرده است، و تهدید به آتش زدن خانهٔ ایشان در کتاب‌های قرن سوم اهل تسنن (روزگار احمد بن حنبل و بخاری) آمده است. در قرن چهارم، کتاب‌های حدیث شیعه (مانند الكافي) از شهادت ایشان سخن گفته‌اند و قاضی عبدالجبار معتزلی از گریه و نوحهٔ شیعیان شهرهای گوناگون برای ایشان و فرزندش حضرت محسن علیه السلام خبر داده است. نام «ایام فاطمیه» و قالب امروزی آن در این منابع کهن نیامده است؛ آنچه کهن است، یاد شهادت و عزاداری برای این بانوی مظلومه است که منکرین فاطمیه در صدد انکار آنند. در این مقاله فقط قدمت گزارش‌ها بررسی شده است، نه سند آن‌ها؛ از همین رو کتاب‌های اهل تسنن و معتزله، حتی آنجا که برای رد این گزارش‌ها نوشته شده‌اند، به عنوان «متون قدیمی» نه لزوما معتبر، گواهِ رواج این مسائل در روزگار نویسندگانشان است.

روش این بررسی: قدمت گزارش، جدا از صحت سند و انتساب کتاب

این مقاله به یک پرسش پاسخ می‌دهد: **گزارش شهادت حضرت زهرا علیها السلام و سوگواری برای ایشان، از چه زمانی در میان مسلمانان گفته می‌شده است؟** این پرسش با دو پرسش دیگر فرق دارد: آیا فلان گزارش از نظر سند درست است؟ و آیا فلان کتاب به‌راستی از همان مؤلفی است که به او نسبت داده‌اند؟ آن دو پرسش جای خود را دارند و منابع خود را می‌خواهند؛ در اینجا فقط قدمت گزارش‌ها بررسی می‌شود.

در بحث قدمت، گزارش ضعیف هم شاهد است، زیرا نشان می‌دهد این سخن در روزگار نویسنده‌اش گفته می‌شده است. گزارشی هم که منتقدی برای رد کردن آورده، به همان اندازه شاهد است؛ چون او سخنی را رد کرده که در زمانش بر سر زبان‌ها بوده است. از همین رو در این مقاله، کنار کتاب‌های حدیث شیعه، کتاب‌های اهل تسنن و معتزله هم آمده است. این کتاب‌ها برای شیعه مأخذ شناخت حقیقت نیستند؛ فایده‌شان در اینجا گواهی بر رواج گزارش و احتجاج بر مخالفان است.

قدمت هر گزارش از راه کتابی که آن را آورده روشن می‌شود، و برای این کار چهار نشانه به کار رفته است:

۱. **تاریخ نویسنده:** سال درگذشت او، یا سال تألیفی که خود کتاب نشان می‌دهد.

۲. **گواهی عالمان:** یاد شدن کتاب در فهرست‌ها و سخنان عالمان پیشین، چه شیعه و چه مخالف.

۳. **نسخهٔ خطی تاریخ‌دار:** برای این نشانه از «فهرستگان نسخه‌های خطی ایران» استفاده شده است؛ پس سخن از کهن‌ترین نسخه‌های کتابخانه‌های ایران است، نه همهٔ جهان.

۴. **نقل دیگران:** آمدن کتاب یا متن آن در کتاب‌های بعدی.

این نشانه‌ها فقط برای کتاب‌هایی به تفصیل آمده که انتسابشان محل گفت‌وگوست؛ برای کتاب‌هایی مانند الكافي و تاريخ الطبري، به نام مؤلف و تاریخ او بسنده شده است.

گزارش‌ها بر پایهٔ تاریخ کتابی چیده شده‌اند که امروز در دست است و ثبت گزارش در آن ثابت است. اگر گزارشی به زمانی کهن‌تر نسبت داده شده، آن زمان هم کنارش گفته می‌شود. هر گزارش برچسب مضمون هم دارد تا روشن باشد دقیقاً بر چه چیزی گواهی می‌دهد:

- **الف:** تهدید به آتش زدن خانه؛
- **ب:** هجوم و ورود به خانه؛
- **ج:** آسیب دیدن حضرت زهرا علیها السلام و سقط حضرت محسن علیه السلام؛
- **د:** شهادت ایشان در پی آن؛
- **ه:** عزاداری و یادآوری روز شهادت.

یک نکتهٔ دیگر هم هست. «فاطمیه» دو معنا دارد: یکی **مضمون** آن، یعنی یاد مصیبت و شهادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و اندوه برای ایشان؛ و دیگری **نام و قالب امروزی** آن، یعنی «ایام فاطمیه» با دو نوبت سوگواری. شواهدی که در ادامه می‌آید، کهن بودن مضمون را نشان می‌دهد؛ نام و قالب امروزی، مانند بسیاری از آیین‌ها، برای بزرگداشت بهتر این واقعه در طول زمان شکل گرفته است.

قرن دوم و سوم: نخستین گزارش‌ها در کتاب‌های مخالفان

قدیمی‌ترین گزارش‌هایی که امروز از **هجوم به خانه حضرت زهرا علیها السلام در منابع اهل تسنن** و دیگر مخالفان شیعه در دست است، به قرن دوم و سوم برمی‌گردد. نخستینِ آن‌ها از قلم متکلمی است که خود این گزارش را ساختگی می‌دانست.

ضرار بن عمرو و کتاب التحریش

زمان: درگذشت مؤلف در اواخر قرن دوم یا اوایل قرن سوم؛ مضمون: ج

ضرار بن عمرو، متکلم معتزلی کوفه، در «کتاب التحریش» می‌کوشد نشان دهد هر فرقه برای تأیید باورهای خود چه حدیث‌هایی ساخته است. ذهبی، رجال‌شناس و مورخ نامدار اهل تسنن، از گزارش‌ها نتیجه گرفته که ضرار در روزگار هارون الرشید درگذشت، و صفدی، تراجم‌نگار اهل تسنن، مرگ او را در حدود سال ۲۳۰ دانسته است[۱]. ابن ندیم، کتاب‌شناس نامدار بغداد در قرن چهارم، هم «کتاب التحریش و الإغراء» را در شمار آثار او آورده است[۲].

ضرار در بخشی از کتاب، حدیث‌هایی را برمی‌شمارد که به گمان او برای ستایش امیرالمؤمنین علیه السلام ساخته شد و گروهی با پذیرفتن آن‌ها «رافضه» شدند؛ از جمله این:

> وأن أبا بكر وعمر ظلما وضربا فاطمة بنت رسول الله حتى ألقت جنيناً. وفي نحو هذا من الحديث الضال المضل المفتعل!!
>
> «و اینکه ابوبکر و عمر به فاطمه [علیها السلام]، دختر رسول خدا [صلی الله علیه و آله]، ستم کردند و او را زدند تا جنینی افکند؛ و از همین دست، حدیث‌های گمراه و گمراه‌کننده و ساختگی!»[۳]

ضرار این را برای نکوهش شیعه آورده است؛ ولی همین گواهی می‌دهد که در روزگار او، گزارش ظلم ابوبکر و عمر به حضرت فاطمه علیها السلام و جسارت به ایشان و سقط جنینش در میان شیعیان به همین صراحت رواج داشته. **کهن‌ترین سند مکتوبی که در این بررسی برای آسیب دیدن ایشان یافت شد، از قلم یک منتقد است.**

---

۱. سیر أعلام النبلاء، جلد ۱۰، صفحهٔ ۵۴۵؛ الوافي بالوفيات، جلد ۱۶، صفحهٔ ۲۱۰

۲. الفهرست، صفحهٔ ۲۱۵

۳. التحریش، صفحهٔ ۵۲

ابن ابی‌شیبه و کتاب المصنف

زمان: درگذشت مؤلف، ۲۳۵؛ مضمون: الف

ابن ابی‌شیبه، محدث نامدار اهل تسنن در کوفه و استاد محمد بن اسماعیل بخاری، از اسلم، غلام عمر، نقل می‌کند که چون امیرالمؤمنین علیه‌السلام و زبیر در خانهٔ حضرت زهرا علیهاالسلام گرد می‌آمدند، عمر نزد ایشان رفت و پس از آنکه ادعای دوستی خود با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و دخترش را مطرح کرد، گفت:

وَايْمُ اللَّهِ مَا ذَاكَ بِمَانِعِي إِنِ اجْتَمَعَ هَؤُلَاءِ النَّفَرُ عِنْدَكِ؛ أَنْ أَمَرْتُهُمْ أَنْ يُحَرَّقَ عَلَيْهِمِ الْبَيْتُ

«و به خدا سوگند، این [دوستی] مانع من نمی‌شود که اگر این چند تن نزد تو گرد آیند، دستور دهم خانه را بر سرشان آتش بزنند.»[۴]

بلاذری و کتاب أنساب الأشراف

زمان: درگذشت مؤلف، ۲۷۹؛ مضمون: الف

بلاذری، مورخ نامدار اهل تسنن، به نقل از مدائنی می‌نویسد که ابوبکر برای بیعت گرفتن کسی نزد امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرستاد و او بیعت نکرد؛ آن‌گاه:

فجاء عمر، ومعه فتيلة. فتلقته فاطمة على الباب، فقالت فاطمة: يا ابن الخطاب، أتراك محرقا علي بابي؟ قال: نعم، وذلك أقوى فيما جاء به أبوك.

«پس عمر آمد و فتیله‌ای [آتشین] با خود داشت. فاطمه [علیهاالسلام] بر در خانه با او روبه‌رو شد و گفت: ای پسر خطاب، می‌خواهی در خانه‌ام را بر من آتش بزنی؟ گفت: آری؛ و این برای آنچه پدرت آورد، کارسازتر است.»[۵]

به گفتهٔ محقق این چاپ در پاورقی، در نسخهٔ خطی به‌جای «فتیلة» واژهٔ «قلثین» آمده و «فتیلة» خوانش اوست؛ ولی پرسش حضرت زهرا علیهاالسلام و پاسخ «آری»، جدا از آن واژه، از تهدید به آتش زدن خبر می‌دهد.

---

۴. المصنف، جلد ۷، صفحهٔ ۴۳۲

۵. أنساب الأشراف، جلد ۱، صفحهٔ ۵۸۶

قرن چهارم: علت شهادت حضرت زهرا علیها السلام در کتاب‌های حدیث و نخستین گزارش سوگواری

در قرن چهارم، همهٔ اجزای این گزارش، از هجوم به خانه تا شهادت حضرت فاطمه علیها السلام و سوگ برای ایشان، در کتاب‌های موجود دیده می‌شود؛ هم در کتاب‌های حدیث شیعه و هم در کتاب‌های مخالفان. شاید دلیلش این باشد که با سست شدن قدرت خلافت عباسی در این دوره، خطرهایی که در حکومت‌های پیشین همواره شیعیان را تهدید می‌کرد کمتر شد، و شیعیان دست خود را برای بیان علنی‌تر حقایق تاریخی و احادیث و ابراز اعتقاداتشان بازتر می‌دیدند.

طبری و تاریخ الرسل والملوك

زمان: درگذشت مؤلف، ۳۱۰؛ مضمون: الف، ب

طبری، مورخ و مفسر نامدار اهل تسنن، از زیاد بن کلیب نقل می‌کند که عمر به خانهٔ امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و سوگند خورد که یا خانه را بر سر کسانی که در آن بودند آتش می‌زند یا برای بیعت بیرون می‌آیند[۶]. در جای دیگر از سخنان ابوبکر در بیماری مرگش آورده که از سه کار پشیمان است و نخستینش این است:

فَوَدِدْتُ أَنِّي لَمْ أَكْشِفْ بَيْتَ فَاطِمَةَ عَنْ شَيْءٍ وَإِنْ كَانُوا قَدْ غَلَّقُوهُ عَلَى الْحَرْبِ

«کاش خانهٔ فاطمه [علیها السلام] را به هر انگیزه‌ای که بود نگشوده بودم، هرچند آن را برای جنگ بسته بودند.»[۷]

این سخن ابوبکر نشان‌دهندهٔ این است که عمر به سوگند خود عمل کرده است؛ همچنان که نقل إثبات الوصية، که خواهد آمد، قرینه‌ای بر این ماجراست.

تفسير العياشي

زمان: درگذشت مؤلف، حدود ۳۲۰؛ مضمون: ب

عیاشی رحمه الله، مفسر و محدث امامی، از عمرو بن ابی‌المقدام، از پدرش، از جدش نقل می‌کند که در سقیفه کنار ابوبکر بود و دید که پس از فرستادن قنفذ، «فضرب عمر الباب برجله فكسره و كان من سعف» (عمر با پا به در زد و آن را، که از شاخه‌های خرما بود، شکست)؛ سپس امیرالمؤمنین علیه السلام را با گریبانِ گرفته بیرون

---

۶. تاريخ الطبري، جلد ۳، صفحهٔ ۲۰۲

۷. تاريخ الطبري، جلد ۳، صفحهٔ ۴۳۰

بردند و حضرت فاطمه علیها السلام به اعتراض بیرون آمد[8]. در این گزارش به جنس چوب درِ خانه هم اشاره شده است: دری از شاخه‌های خرما.

ابن عبدربه و العقد الفريد

زمان: درگذشت مؤلف، ۳۲۸؛ مضمون: الف

ابن عبدربه، ادیب اندلسی سنی‌مذهب، می‌نویسد عمر «بقبس من نار» (با مشعلی از آتش) آمد تا خانه را بر آنان آتش بزند؛ حضرت زهرا علیها السلام با او روبه‌رو شد و گفت: «يا ابن الخطاب، أجئت لتحرق دارنا؟» (ای پسر خطاب، آمده‌ای خانهٔ ما را آتش بزنی؟)، و او پاسخ داد: «نعم، أو تدخلوا فيما دخلت فيه الأمة» (آری، مگر آنکه در آنچه امت در آن درآمده است، درآیید)[9].

الكافي: «صديقهٔ شهيده»

زمان: درگذشت مؤلف، ۳۲۹؛ مضمون: د، ه

شیخ کلینی رحمه الله، صاحب الكافي، **با سند صحیح** از علی بن جعفر نقل می‌کند که برادرش ابوالحسن [امام کاظم] علیه السلام فرمود:

إِنَّ فَاطِمَةَ [علیها السلام] صِدِّيقَةٌ شَهِيدَةٌ...

«فاطمه علیها السلام صدیقهٔ شهیده است...»[10]

علامه مجلسی رحمه الله سند این حدیث را صحیح شمرده[11] و، چنان‌که خواهد آمد، همین حدیث را دلیل شهادت حضرت صدیقهٔ طاهره علیها السلام دانسته است.

در حدیث پس از آن، امام حسین علیه السلام نقل می‌کند که امیرالمؤمنین علیه السلام پس از آنکه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را پنهانی به خاک سپرد، رو به قبر پیامبر صلی الله علیه و آله کرد و سخنانی گفت که از نخستین سوگ‌نامه‌های ثبت‌شده برای ایشان است:

قَدِ اسْتُرْجِعَتِ الْوَدِيعَةُ وَ أُخِذَتِ الرَّهِينَةُ وَ أُخْلِسَتِ الزَّهْرَاءُ فَمَا أَقْبَحَ الْخَضْرَاءَ وَ الْغَبْرَاءَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَمَّا حُزْنِي فَسَرْمَدٌ وَ أَمَّا لَيْلِي فَمُسَهَّدٌ... وَ سَتُنْبِئُكَ ابْنَتُكَ بِتَظَافُرِ أُمَّتِكَ عَلَى هَضْمِهَا فَأَحْفِهَا السُّؤَالَ وَ اسْتَخْبِرْهَا الْحَالَ

---

۸. تفسير العياشي، جلد ۲، صفحات ۶۶ و ۶۷، حدیث ۷۶

۹. العقد الفريد، جلد ۵، صفحهٔ ۱۳

۱۰. الكافي، جلد ۱، صفحهٔ ۴۵۸، حدیث ۲

۱۱. مرآة العقول، جلد ۵، صفحهٔ ۳۱۵

«امانت بازپس گرفته و ستانده شد و زهرا [علیها السلام] به شتاب ربوده شد. ای رسول خدا، [اینک] آسمان و زمین چه زشت می‌نماید! اندوهم همیشگی است و شبم بی‌خواب... و دخترت به‌زودی تو را خبر می‌دهد که امتت چگونه دست به دست هم دادند تا بر او ستم کنند؛ پس، از او با اصرار بپرس و حال را از او جویا شو.»[۱۲]

گزارش دفن شبانهٔ ایشان و کسانی که بر پیکرش حاضر بودند، در مقالهٔ «چه کسانی در تشییع حضرت زهرا علیها السلام حضور داشتند؟» آمده است.

کتاب سلیم بن قیس

زمان منسوب: قرن اول؛ زمانی که وجود کتاب در آن ثابت است: قرن چهارم (گواهی صریح نعمانی، م حدود ۳۶۰)؛ مضمون: ج، د

این کتاب به سلیم بن قیس هلالی، از یاران امیرالمؤمنین علیه السلام، نسبت داده شده است. در گزارشی که سلیم از سلمان فارسی دربارهٔ ماجرای سقیفه نقل می‌کند، آمده است که قنفذ به دستور عمر، حضرت زهرا علیها السلام را با تازیانه زد؛ آن‌گاه:

فألجأها قنفذ لعنه الله إلى عضادة باب بيتها ودفعها فكسر ضلعها من جنبها فألقت جنينا من بطنها. فلم تزل صاحبة فراش حتى ماتت صلى الله عليها من ذلك شهيدة.

«پس قنفذ، که خدا لعنتش کند، او را به چارچوب در خانه‌اش فشرد و هل داد و دنده‌ای از پهلویش شکست و جنینی از شکمش افتاد. و پیوسته بستری بود تا آنکه [حضرت زهرا] صلوات خدا بر او، بر اثر همین [آسیب] شهیده درگذشت.»[۱۳]

انتساب این کتاب به سلیم محل گفت‌وگوست، ولی قدمت آن از چند راه ثابت است.

نقل کلینی: شیخ کلینی رحمه الله (م ۳۲۹) خود حدیثی را با سند «عن أبان بن أبي عياش عن سليم بن قيس الهلالي» آورده است[۱۴].

گواهی نعمانی: نعمانی رحمه الله، محدث امامی قرن چهارم (م حدود ۳۶۰)، می‌نویسد میان همهٔ شیعیانی که از امامان علیهم السلام روایت کرده‌اند اختلافی نیست که این کتاب «أصل من أكبر كتب الأصول... و أقدمها» است؛ یعنی از بزرگ‌ترین و کهن‌ترین اصول (نخستین دفترهای حدیث شیعه)[۱۵].

---

۱۲. الكافي، جلد ۱، صفحات ۴۵۸ و ۴۵۹، حدیث ۳

۱۳. کتاب سلیم بن قیس، صفحهٔ ۱۵۳

۱۴. الكافي، جلد ۱، صفحهٔ ۶۲، حدیث ۱

۱۵. الغيبة، صفحات ۱۰۱ و ۱۰۲

گواهی ابن ندیم: ابن ندیم (م ۳۸۰) می‌نویسد: «وأول کتاب ظهر للشیعة، کتاب سلیم بن قیس الهلالي» (نخستین کتابی که برای شیعه پدید آمد، کتاب سلیم بن قیس الهلالي است)[۱۶]. گواهی نعمانی و ابن ندیم این کتاب را از کهن‌ترین آثار شیعه می‌شمارد، و این با انتسابش به قرن اول سازگار است.

نقد شیخ مفید: شیخ مفید رحمه‌الله (م ۴۱۳) این کتاب را «غیر موثوق به» دانسته و گفته در آن «تخلیط و تدلیس» راه یافته است[۱۷]. همین نقد نشان می‌دهد که کتاب در روزگار او شناخته‌شده و در دست بوده است.

نسخه‌ها: کهن‌ترین نسخهٔ تاریخ‌دار این کتاب در کتابخانه‌های ایران، نسخهٔ کتابخانهٔ مرعشی (ش ۱/۱۳۲۵۲) به تاریخ ۹۱۸ است. در پایان نسخهٔ کتابخانهٔ مجلس (ش ۱۵۶۳۸) آمده که با «نسخة صحیحة قدیمة جداً» به تاریخ ربیع‌الآخر سال ۳۰۹ مقابله شده است؛ فهرست‌نگار تاریخ درست آن نسخه را ۶۰۹ دانسته است[۱۸].

کامل الزیارات

زمان: درگذشت مؤلف، ۳۶۸؛ مضمون: ج، د

ابن قولویه رحمه‌الله، محدث بزرگ امامی، در کامل الزیارات از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که در شب معراج، آزمون‌هایی که بر خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله خواهد رفت، به ایشان گفته شد؛ و دربارهٔ دخترش چنین:

وَ أَمَّا ابْنَتُكَ فَتُظْلَمُ وَ تُحْرَمُ وَ يُؤْخَذُ حَقُّهَا غَصْباً الَّذِي تَجْعَلُهُ لَهَا وَ تُضْرَبُ وَ هِيَ حَامِلٌ وَ يُدْخَلُ عَلَيْهَا وَ عَلَى حَرِيمِهَا وَ مَنْزِلِهَا بِغَيْرِ إِذْنٍ ثُمَّ يَمَسُّهَا هَوَانٌ وَ ذُلٌّ ثُمَّ لَا تَجِدُ مَانِعاً وَ تَطْرَحُ مَا فِي بَطْنِهَا مِنَ الضَّرْبِ وَ تَمُوتُ مِنْ ذَلِكَ الضَّرْبِ

«و اما دخترت: به او ستم می‌شود و محروم می‌گردد و حقی که تو برایش قرار می‌دهی، به زور گرفته می‌شود؛ و او را در حالی که باردار است می‌زنند و بی‌اجازه بر او و بر حریم و خانه‌اش وارد می‌شوند؛ سپس خواری و ذلت به او می‌رسد و کسی را نمی‌یابد که [ستم را] بازدارد؛ و از آن ضربه، آنچه در شکم دارد می‌افکند و از همان ضربه درمی‌گذرد.»[۱۹]

در ادامهٔ همین حدیث آمده است که در قیامت، نخستین داوری دربارهٔ حضرت محسن علیه‌السلام، فرزند امیرالمؤمنین علیه‌السلام، و قاتل او خواهد بود.

---

۱۶. الفهرست، صفحهٔ ۲۷۵

۱۷. تصحیح اعتقادات الإمامیة، صفحهٔ ۱۴۹

۱۸. فهرستگان نسخه‌های خطی ایران، جلد ۲۵، صفحهٔ ۹۹۸

۱۹. کامل الزیارات، باب ۱۰۸، حدیث ۱۱

الأمالي شیخ صدوق

زمان: مجلس املا در سال ۳۶۷؛ درگذشت مؤلف، ۳۸۱؛ مضمون: ج

شیخ صدوق رحمه‌الله این حدیث را در مجلس بیست‌وچهارم الأمالي آورده است؛ مجلسی که به گفتهٔ خود کتاب، روز چهارشنبه چهارم شوال سال ۳۶۷ برگزار شد. از ابن عباس نقل می‌کند که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با دیدن دخترش گریست و فرمود:

وإني لما رأيتها ذكرت ما يصنع بها بعدي، كأني بها وقد دخل الذل بيتها، وانتهكت حرمتها، وغصبت حقها، ومنعت إرثها، وكسر جنبها، وأسقطت جنينها، وهي تنادي: يا محمداه، فلا تجاب

«و چون او را دیدم، آنچه پس از من با او خواهند کرد به یادم آمد. گویی او را می‌بینم که خواری به خانه‌اش راه یافته، حرمتش شکسته، حقش غصب و از میراثش بازداشته شده، پهلویش شکسته و جنینش سقط شده است؛ و فریاد می‌زند: وا محمّدا! و پاسخی نمی‌شنود.»[۲۰]

قاضی عبدالجبار و نخستین گزارش مجلس سوگواری

زمان: نگارش کتاب در حدود سال ۳۸۵؛ مضمون: ج، ه

قاضی عبدالجبار همدانی، متکلم بزرگ معتزلی (م ۴۱۵)، «تثبیت دلائل النبوة» را در حدود سال ۳۸۵ نوشت و خود در دو جای کتاب به این سال اشاره می‌کند[۲۱]. او در بخشی که به کسانی می‌پردازد که «باطنیه» می‌خواند، گروهی از شیعیان زمان خود را نام می‌برد (حاشیهٔ نسخهٔ کتاب، این بخش را «یاد بزرگان و پیشوایان شیعه در زمان مؤلف» خوانده است) و می‌نویسد:

فهؤلاء بمصر وبالرملة وبصور، وبعكا وبعسقلان وبدمشق وببغداد وبجبل البسماق. وكل هؤلاء بهذه النواحي يدّعون التشيع ومحبة رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله وأهل بيته، فيبكون على فاطمة وعلى ابنها المحسن الذي زعموا أن عمر قتله... ويقيمون المنشدين والمناحات في ذلك

«این‌ها در مصر و رمله و صور و عکا و عسقلان و دمشق و بغداد و جبل البسماق‌اند؛ و همهٔ این‌ها در این سرزمین‌ها مدعی تشیع و محبت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل‌بیت اویند؛ پس بر فاطمه [علیهاالسلام] و بر پسرش محسن، که به گمانشان عمر او را کشت، می‌گریند... و برای این کار مدّاحان و مجلس‌های نوحه برپا می‌کنند.»[۲۲]

---

۲۰. الأمالي، صفحهٔ ۱۷۶، مجلس ۲۴، حدیث ۲

۲۱. تثبیت دلائل النبوة، جلد ۱، صفحات ۴۲ و ۱۶۸

۲۲. تثبیت دلائل النبوة، جلد ۲، صفحهٔ ۵۹۵

قاضی عبدالجبار این را برای نکوهش آورده و در همان‌جا اتهام‌های دیگری هم به شیعیان زده است؛ ولی گزارش او نشان می‌دهد که در حدود سال ۳۸۵، در شهرهای مصر و شام و عراق، برای حضرت فاطمه علیها السلام و فرزندش حضرت محسن علیه السلام مجلس عزاداری با مداح و روضه‌خوان برپا می‌شد. **این قدیمی‌ترین گزارش صریحی است که در این بررسی از مجلس سوگواری برای ایشان یافت شد، و آن هم از قلم یک مخالف.**

قرن پنجم: سوم جمادی‌الثانی، روز تجدید حزن اهل ایمان

تاریخچه عزاداری فاطمیه در تقویم شیعه با کتاب‌های این دوره روشن‌تر می‌شود: تاریخ شهادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در تقویم مناسبت‌ها ثبت شد و عالمان آن روز را روز اندوه شمردند.

شیخ مفید: مسارّ الشیعة و الإرشاد

زمان: درگذشت مؤلف، ۴۱۳؛ مضمون: ج، ه

شیخ مفید رحمه الله، فقیه و متکلم بزرگ شیعه در بغداد، در «مسارّ الشیعة»، که تقویم مناسبت‌های سال است، دربارهٔ جمادی‌الثانی می‌نویسد:

> الیوم الثالث منه سنة إحدی عشرة من الهجرة کانت وفاة السیدة فاطمة بنت رسول الله [صلی الله علیه و آله] و هو یوم یتجدد فیه أحزان أهل الإیمان.
>
> «روز سوم آن، در سال یازدهم هجرت، درگذشت حضرت فاطمه [علیها السلام]، دختر رسول خدا [صلی الله علیه و آله]، رخ داد؛ و آن روزی است که اندوه‌های اهل ایمان در آن تازه می‌شود.»[۲۳]

فهرستگان نسخه‌های خطی ایران از نسخه‌ای از همین کتاب به خط کوفی در کتابخانهٔ دانشگاه تهران (ش ۲۱۶۲) خبر می‌دهد که تاریخ کتابتش ۳۹۱ ثبت شده است؛ یعنی در زمان حیات خود مفید[۲۴].

مفید در «الإرشاد» هم، هنگام شمردن فرزندان امیرالمؤمنین علیه السلام، می‌نویسد:

> وفي الشِّیعةِ من یَذکرُ أنّ فاطمةَ صلواتُ الله علیها أسقطَتْ بعدَ النّبي [صلی الله علیه و آله] ولداً ذکَراً
>
> «و در میان شیعیان کسانی هستند که می‌گویند فاطمه، صلوات خدا بر او، پس از پیامبر [صلی الله علیه و آله] پسری را سقط کرد.»[۲۵]

او در ادامه می‌گوید پیامبر صلی الله علیه و آله آن کودک را، هنگامی که هنوز در شکم بود، «محسن» نامیده بود. این تعبیر، گزارشی است از رواج این سخن در میان شیعیان روزگار شیخ مفید رحمه الله.

دلائل الإمامة: علت شهادت حضرت فاطمه علیها السلام از زبان امام صادق علیه السلام

زمان: قرن پنجم؛ مضمون: ج، د، ه

مؤلف دلائل الإمامة، محمد بن جریر طبری صغیر (طبری امامی، شیعی)، این حدیث را از ابوالحسین محمد بن هارون بن موسی تلعکبری، از پدرش، با سند خود از ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

---

۲۳. مسارّ الشیعة، صفحهٔ ۵۴

۲۴. فهرستگان نسخه‌های خطی ایران، جلد ۲۹، صفحهٔ ۳۲۴

۲۵. الإرشاد، جلد ۱، صفحهٔ ۳۵۵

وَ قُبِضَتْ فِي جُمَادَى الْآخِرَةِ يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ لِثَلَاثٍ خَلَوْنَ مِنْهُ، سَنَةَ إِحْدَى عَشْرَةَ مِنَ الْهِجْرَةِ. وَ كَانَ سَبَبُ وَفَاتِهَا أَنَّ قُنْفُذاً مَوْلَى عُمَرَ لَكَزَهَا بِنَعْلِ السَّيْفِ بِأَمْرِهِ، فَأَسْقَطَتْ مُحَسِّناً وَ مَرِضَتْ مِنْ ذَلِكَ مَرَضاً شَدِيداً

«و در روز سه‌شنبه، سوم جمادی‌الثانی سال یازدهم هجرت درگذشت. و سبب درگذشت او این بود که قنفذ، غلام عمر، به دستور او با آهنِ تهِ غلاف شمشیر بر او کوبید؛ پس محسن را سقط کرد و از آن، سخت بیمار شد.»[۲۶]

هارون بن موسی تلعکبری، پدرِ استاد مؤلف، به گفتهٔ شیخ طوسی رحمه‌الله در سال ۳۸۵ درگذشته است[۲۷]؛ پس مؤلف در نسل پس از او، یعنی در قرن پنجم، می‌زیسته است. در همین حدیث، ماندن ایشان پس از شهادت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، هفتاد و پنج روز گفته شده است.

إثبات الوصية، منسوب به مسعودی

زمان منسوب: مسعودی (م حدود ۳۴۵)؛ زمانی که وجود کتاب در آن ثابت است: قرن پنجم؛ مضمون: ب، ج

کتاب «إثبات الوصية» به علی بن حسین مسعودی، مورخ نامدار و صاحب «مروج الذهب»، نسبت داده شده است. در آن آمده است:

فهجموا علیه، و أحرقوا بابه، و استخرجوه منه کرها، و ضغطوا سیّدة النساء بالباب حتی اسقطت (محسنا)

«به خانهٔ او (امیرالمؤمنین علیه‌السلام) هجوم آوردند و درش را آتش زدند و او را به‌زور از آن بیرون کشیدند و سرور زنان [علیهاالسلام] را با در فشردند تا (محسن را) سقط کرد.»[۲۸]

واژهٔ «محسنا» در این چاپ داخل پرانتز آمده است. نجاشی رحمه‌الله (م ۴۵۰)، رجال‌شناس بزرگ شیعه، در فهرست آثار مسعودی، «رسالة إثبات الوصية لعلي بن أبي طالب [علیه‌السلام]» را کنار «مروج الذهب» آورده است[۲۹]. کهن‌ترین نسخهٔ این کتاب در ایران، نسخهٔ کتابخانهٔ مرعشی (ش ۱۴۹۵۳) از نیمهٔ دوم قرن ششم است که فهرست‌نگار آن را «کهن‌ترین و بی‌نظیرترین نسخهٔ موجود در جهان» خوانده است[۳۰].

---

۲۶. دلائل الإمامة، صفحهٔ ۱۳۴، حدیث ۴۳

۲۷. معجم رجال الحدیث، جلد ۲۰، صفحهٔ ۲۵۸

۲۸. إثبات الوصیة، صفحهٔ ۱۴۶

۲۹. معجم رجال الحدیث، جلد ۱۲، صفحهٔ ۳۹۵

۳۰. فهرستگان نسخه‌های خطی ایران، جلد ۱، صفحهٔ ۵۰۲

شیخ طوسی و مصباح المتهجد

زمان: درگذشت مؤلف، ۴۶۰؛ مضمون: ه

شیخ طوسی رحمه‌الله هم در «مصباح المتهجد»، کتاب دعا و اعمال سال، تاریخ سوم جمادی‌الثانی سال یازدهم را برای شهادت حضرت فاطمه علیها‌السلام ثبت کرده است[۳۱].

۳۱. مصباح المتهجد، صفحهٔ ۷۹۳

قرن ششم تا دوازدهم: گواهی منتقدان و تواتر در نگاه علامه مجلسی

در قرن‌های بعد، این گزارش‌ها هم در کتاب‌های شیعه تکرار شد و هم در نقد منتقدان؛ و منتقدان با نکوهش گویندگانش، رواج آن را در روزگار خود ثبت کردند.

الإمامة والسياسة، منسوب به ابن قتیبه

زمان منسوب: ابن قتیبه (م ۲۷۶)؛ زمانی که وجود کتاب در آن ثابت است: قرن ششم؛ مضمون: الف

کتاب «الإمامة والسياسة» به ابن قتیبه دینوری، ادیب و مورخ نامدار اهل تسنن، نسبت داده شده است. در آن آمده که عمر هیزم خواست و سوگند خورد که یا بیرون می‌آیند یا خانه را با هر که در آن است آتش می‌زند:

فقيل له: يا أبا حفص، إن فيها فاطمة؟ فقال: و إن

«به او گفته شد: ای اباحفص، فاطمه [علیها السلام] در این خانه است؟ گفت: هرچند [او در آن باشد].»[۳۲]

انتساب این کتاب به ابن قتیبه محل گفت‌وگوست. ابن عربی مالکی (م ۵۴۳)، فقیه اندلسی اهل تسنن، آن را از ابن قتیبه دانسته و او را به سبب آن نکوهیده، با این قید: «إن صح عنه جميع ما فيه» (اگر همهٔ آنچه در آن است، به‌راستی از او باشد)[۳۳]. پس این کتاب دست‌کم در قرن ششم با همین نام شناخته بوده است.

شهرستانی و صفدی: گزارش سخن نظّام

زمان منسوب: نظّام (م پس از ۲۲۰)؛ زمان ثبت: شهرستانی (م ۵۴۸)؛ مضمون: الف، ج

ابراهیم بن سیّار نظّام، از بزرگان معتزله، به گفتهٔ ذهبی در سال دویست و بیست و چند درگذشت[۳۴].

شهرستانی، فرقه‌شناس نامدار اهل تسنن، در شمار باورهای او که آن‌ها را دروغ‌پردازی می‌خواند، می‌نویسد:

وزاد في الفرية فقال: إن عمر ضرب بطن فاطمة يوم البيعة حتى ألقت الجنين من بطنها

«و بر دروغ‌پردازی افزود و گفت: عمر روز بیعت به شکم فاطمه [علیها السلام] زد تا جنین از شکمش افتاد.»[۳۵]

صفدی (م ۷۶۴) هم همین سخن را از نظّام نقل کرده است[۳۶]. این دو، سخن نظّام را برای نکوهش او آورده‌اند؛ ولی به گزارش آنان، این گفته در قرن سوم بر زبان یکی از متکلمان بزرگ معتزله جاری شده است.

---

۳۲. الإمامة والسياسة، جلد ۱، صفحهٔ ۳۰

۳۳. العواصم من القواصم، صفحهٔ ۲۶۱

۳۴. سير أعلام النبلاء، جلد ۱۰، صفحهٔ ۵۴۲

۳۵. الملل والنحل، جلد ۱، صفحهٔ ۵۷

۳۶. الوافي بالوفيات، جلد ۶، صفحهٔ ۱۵

ابن شهرآشوب و گواهی او دربارهٔ المعارف ابن قتیبه

زمان: درگذشت مؤلف، ۵۸۸؛ مضمون: ج

ابن شهرآشوب ﷺ، محدث شیعی قرن ششم، در «مناقب» پس از نام بردن فرزندان حضرت زهرا علیها السلام می‌نویسد: «وَ فِي مَعَارِفِ الْقُتَيْبِيِّ أَنَّ مُحَسِّناً فَسَدَ مِنْ زَخْمِ قُنْفُذٍ الْعَدَوِيِّ» (و در «المعارف» قتیبی آمده است که محسن بر اثر ضربهٔ قنفذ عدوی از دست رفت)[۳۷].

این گواهی ابن شهرآشوب است بر آنچه در نسخهٔ خود از کتاب «المعارف» ابن قتیبه (م ۲۷۶) دیده است. در چاپ امروزی المعارف، به‌جای آن آمده است: «وأما محسّن بن عليّ فهلك وهو صغير» (و اما محسن بن علی [علیه السلام] در کودکی درگذشت)[۳۸].

ابن ابی‌الحدید و گفت‌وگو با نقیب ابوجعفر

زمان: درگذشت مؤلف، ۶۵۵؛ مضمون: ج

ابن ابی‌الحدید، عالم معتزلی و شارح نهج البلاغة، ماجرای هبّار بن اسود را آورده که زینب دختر پیامبر صلی الله علیه و آله را ترساند تا جنینش افتاد و پیامبر صلی الله علیه و آله خونش را مباح کرد. او می‌نویسد این خبر را بر استادش نقیب ابوجعفر خواند و نقیب گفت اگر پیامبر صلی الله علیه و آله زنده بود، خون کسی را که حضرت فاطمه علیها السلام را ترساند تا جنینش افتاد نیز مباح می‌کرد. آن‌گاه:

> فقلت أروي عنك ما يقوله قوم إن فاطمة روعت فألقت المحسن فقال لا تروه عني و لا ترو عني بطلانه فإني متوقف في هذا الموضع لتعارض الأخبار عندي فيه.
>
> «گفتم: آنچه گروهی می‌گویند که فاطمه [علیها السلام] را ترساندند و محسن را افکند، از قول تو نقل کنم؟ گفت: نه آن را از من نقل کن و نه نادرستی‌اش را؛ زیرا در این مسئله، به سبب تعارض اخبار نزد خودم، متوقفم (نظری ندارم).»[۳۹]

«گفتم» از ابن ابی‌الحدید است و «گفت» از نقیب. این گفت‌وگو نشان می‌دهد که در قرن هفتم، در بغداد، این گزارش بر سر زبان «گروهی» بود.

---

۳۷. مناقب آل أبي طالب، جلد ۳، صفحهٔ ۳۵۸

۳۸. المعارف، صفحهٔ ۲۱۱

۳۹. شرح نهج البلاغة، جلد ۱۴، صفحهٔ ۱۹۳

ابن طاووس و إقبال الأعمال

زمان: درگذشت مؤلف، ۶۶۴؛ مضمون: ه

سید بن طاووس رحمه‌الله، عالم بزرگ شیعه در قرن هفتم، در «إقبال الأعمال» فصلی دربارهٔ روز شهادت حضرت زهرا علیهاالسلام و زیارت ایشان گشوده و پس از آوردن تاریخ سوم جمادی‌الثانی از گروهی از عالمان شیعه، می‌نویسد:

فينبغي أن يكون أهل الوفاء محزونين في ذلك اليوم على ما جرى عليها من المظالم الباطنة و الظاهرة حتى أنها دفنت ليلا مظهرة للغضب على من ظلمها و آذاها و آذى أباها

«پس سزاوار است که اهل وفا در آن روز، برای ستم‌های پنهان و آشکاری که بر او رفت، اندوهگین باشند؛ تا آنجا که شبانه به خاک سپرده شد و [با این کار] خشم خود را بر کسی که به او ستم کرد و او و پدرش را آزرد، آشکار ساخت.»[۴۰]

ذهبی و ابن حجر: گزارش مجلس ابن ابی‌دارم

زمان منسوب: قرن چهارم؛ زمان ثبت: ذهبی (م ۷۴۸)؛ مضمون: ج

ذهبی در «میزان الاعتدال»، در شرح حال ابن ابی‌دارم، محدث کوفی که مرگش را در همین کتاب آغاز سال ۳۵۷ و در «سیر أعلام النبلاء» محرم ۳۵۲، و به قولی ۳۵۱، آورده است[۴۱]، وی را «الرافضي الكذاب» (رافضیِ دروغ‌گو) می‌خواند و از محمد بن احمد بن حماد کوفی، حافظ (مرتبه‌ای در حدیث‌شناسی، بالاتر از محدث)، نقل می‌کند:

كان مستقيم الأمر عامة دهره، ثم في آخر أيامه كان أكثر ما يقرأ عليه المثالب، حضرته ورجل يقرأ عليه: إن عمر رفس فاطمة حتى أسقطت بمحسن

«بیشتر عمرش کارش درست بود؛ سپس در واپسین روزهایش، بیشترِ آنچه بر او خوانده می‌شد مثالب (گزارش عیوب مخالفین شیعه) بود. نزد او رفتم و [دیدم که] مردی بر او می‌خواند: عمر با لگد به فاطمه [علیهاالسلام] زد تا محسن را سقط کرد.»[۴۲]

«رفتم» کلامِ همین محمد بن احمد بن حماد کوفی است که خود در مجلس ابن ابی‌دارم بوده است. ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲)، رجال‌شناس نامدار اهل تسنن، هم همین را آورده است[۴۳]. این گزارش، با همهٔ

---

۴۰. إقبال الأعمال، جلد ۲، صفحهٔ ۶۲۳

۴۱. سير أعلام النبلاء، جلد ۱۵، صفحهٔ ۵۷۸

۴۲. ميزان الاعتدال، جلد ۱، صفحهٔ ۱۳۹

۴۳. لسان الميزان، جلد ۱، صفحهٔ ۲۶۸

نکوهشـی که در آن اسـت، نشـان می‌دهد که در قرن چهارم این روایت در مجلس حدیث کوفه خوانده می‌شد.

علامه مجلسی: «شهیده بود و این از متواترات است»

زمان: درگذشت مؤلف، ۱۱۱۰؛ مضمون: الف، ب، ج، د

علامه مجلسی رحمه‌الله، در شرح همان حدیث الکافي که حضرت زهرا علیهاالسلام را «صدیقهٔ شهیده» خوانده بود، می‌نویسد:

> ثم إن هذا الخبر یدل علی أن فاطمة صلوات الله علیها کانت شهیدة وهو من المتواترات
>
> «سپس این خبر دلالت دارد که فاطمه، صلوات خدا بر او، شهیده بود؛ و این از متواترات (خبرهایی که راویانشان آن‌قدر فراوان‌اند که جای تردید نمی‌ماند) است.»[۴۴]

او در ادامه، سبب شهادت را چنین برمی‌شمارد: غاصبان خلافت برای گرفتن بیعت از امیرالمؤمنین علیه‌السلام آتش آوردند تا خانه را بسوزانند و خواستند به‌زور وارد شوند؛ حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام بر در خانه جلویشان را گرفت، قنفذ در را به شکم ایشان زد و پهلوهایش را شکست، جنینی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله «محسن» نامیده بود سقط شد، و ایشان در بیماری‌ای که از آن پدید آمد به شهادت رسید. ظاهراً علامه مجلسی رحمه‌الله در اینجا به گزارش کتاب سلیم بن قیس نظر دارد، که قنفذ را زنندهٔ حضرت زهرا علیهاالسلام و در خانه را وسیلهٔ آسیب می‌داند، و آن را با روایت دلائل الإمامة جمع کرده است که قنفذ را غلام عمر می‌شمارد و زدن را به دستور او.

---

۴۴. مرآة العقول، جلد ۵، صفحهٔ ۳۱۸

تاریخچه ایام فاطمیه در دورهٔ معاصر

شیخ عباس قمی رحمه‌الله (م ۱۳۵۹ هجری قمری)، صاحب «مفاتیح الجنان»، برای هر دو تاریخ شهادت حضرت زهرا علیهاالسلام سوگواری را توصیه کرده است. دربارهٔ جمادی‌الاول می‌نویسد: «و در روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه جمادی الاولی زیارت حضرت فاطمه زهراء صلوات الله علیها و اقامه ماتم آن مظلومه مناسب است»، و دلیلش را روایتی می‌داند که ماندن ایشان پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را هفتاد و پنج روز گفته است. دربارهٔ سوم جمادی‌الثانی هم می‌نویسد: «پس باید در این روز شیعیان به مراسم تعزیت آن حضرت قیام نمایند و زیارت آن مظلومه و نفرین بر ظالمان و غاصبان حق او کنند»[۴۵].

این دو توصیه همان دو نوبتی است که امروز به «فاطمیهٔ اول» و «فاطمیهٔ دوم» مشهور است. نام «ایام فاطمیه» و برنامه‌های گسترده‌ای که امروز در این روزها برپاست، در منابعی که در این مقاله بررسی شد نیامده است؛ تاریخچهٔ این مرحله، اسناد خود همان دوره را می‌طلبد.

---

۴۵. کلیات مفاتیح الجنان، صفحات ۲۹۶ و ۲۹۷

پرسش‌های رایج

ایام فاطمیه از چه زمانی شروع شد؟

سوگ برای حضرت زهرا علیها السلام دست‌کم از قرن چهارم گزارش شده است: قاضی عبدالجبار در حدود سال ۳۸۵ از گریه و نوحهٔ شیعیان برای ایشان خبر داده و شیخ مفید رحمه الله سوم جمادی‌الثانی را «روز تجدید حزن اهل ایمان» خوانده است. دو نوبت سوگواری در جمادی‌الاول و جمادی‌الثانی را شیخ عباس قمی رحمه الله در مفاتیح الجنان توصیه کرده است؛ نام «ایام فاطمیه» در منابع کهنی که در این مقاله آمد، دیده نمی‌شود، که دلیلی بر عدم وجود مراسمات عزاداری بر حضرت زهرا علیها السلام نیست.

آیا ایام فاطمیه بعد از انقلاب ایران ساخته شد؟

خیر. شیخ عباس قمی رحمه الله، که در سال ۱۳۱۹ شمسی و نزدیک به چهار دهه پیش از انقلاب درگذشت، در مفاتیح الجنان برای هر دو تاریخ شهادت حضرت فاطمه علیها السلام سوگواری را توصیه کرده، و حتی برای یکی از این دو تاریخ، سه روز عزاداری را مناسب دانسته است[۴۶]. نزدیک به هزار سال پیش از او، شیخ مفید رحمه الله سوم جمادی‌الثانی را «روز تجدید حزن اهل ایمان» خوانده[۴۷]، و قاضی عبدالجبار معتزلی در حدود سال ۳۸۵ از مراسمات مرثیه‌خوانی شیعیان برای ایشان خبر داده است[۴۸]. آنچه تازه است، نام «ایام فاطمیه» و شکل امروزی برنامه‌هاست، نه یاد شهادت و سوگ.

نظر شیخ مفید دربارهٔ شهادت حضرت زهرا علیها السلام چیست؟

شیخ مفید رحمه الله در مسارّ الشیعة سوم جمادی‌الثانی را «روز تجدید حزن اهل ایمان» خوانده و در الإرشاد، سقط حضرت محسن علیه السلام را از زبان گروهی از شیعیان گزارش کرده است؛ این تعبیر گزارشی از رواج این سخن در میان شیعیان روزگار اوست، نه انکار آن. نقد او بر کتاب سلیم هم دربارهٔ اعتماد به کل آن کتاب است و در همان‌جا، معنای حدیثی را که شیخ صدوق رحمه الله از آن آورده بود، درست شمرده است.

---

۴۶. کلیات مفاتیح الجنان، صفحات ۲۹۶ و ۲۹۷

۴۷. مسارّ الشیعة، صفحهٔ ۵۴

۴۸. تثبیت دلائل النبوة، جلد ۲، صفحهٔ ۵۹۵

جمع‌بندی

• این مقاله فقط قدمت گزارش‌ها را بررسی کرده است، نه سند آن‌ها را؛ از همین رو گزارش ضعیف، و گزارشی که منتقدی برای رد کردن آورده، نیز گواه رواج آن در روزگار نویسنده‌اش شمرده شده است.

• گزارش تهدید به آتش زدن خانهٔ حضرت زهرا علیها السلام و هجوم به آن، در کتاب‌های قرن سوم و چهارم اهل تسنن ثبت است؛ و ضرار بن عمرو، متکلم معتزلی، آسیب دیدن ایشان و سقط جنینش را در اواخر قرن دوم یا اوایل قرن سوم باور شیعیان شمرده است.

• در قرن چهارم، کتاب‌های حدیث شیعه از شهادت ایشان سخن گفته‌اند، و قاضی عبدالجبار از سوگواری شیعیان شهرهای گوناگون برای بانوی دو عالم علیها السلام و فرزندش حضرت محسن علیه السلام خبر داده است.

• از روزگار شیخ مفید رحمه الله، سوم جمادی‌الثانی در تقویم شیعه روز اندوه شمرده شد، و سید بن طاووس رحمه الله و شیخ عباس قمی رحمه الله همین راه را ادامه دادند.

• منتقدانی چون ضرار، قاضی عبدالجبار، شهرستانی و ذهبی، با نکوهش این گزارش‌ها رواج آن‌ها را در روزگار خود ثبت کرده‌اند؛ پس مضمون فاطمیه پیشینه‌ای از قرن‌های نخستین دارد و آنچه تازه‌تر است، نام و قالب امروزی آن است.

مصادر

الكافي (شيخ كلينى رحمه الله)، ط. الإسلامية

كتاب سليم بن قيس الهلالي (منسوب به سليم بن قيس هلالى)، تحقيق محمد باقر الأنصاري

تفسير العياشي (عياشى رحمه الله)، ط. المطبعة العلمية، طهران

كتاب الغيبة (نعمانى رحمه الله)، ط. نشر صدوق، طهران

كامل الزيارات (ابن قولويه رحمه الله)، ط. دار المرتضوية

الأمالي (شيخ صدوق رحمه الله)، ط. مؤسسة البعثة

مسارّ الشيعة (شيخ مفيد رحمه الله)

الإرشاد (شيخ مفيد رحمه الله)، ط. كنگرۀ شيخ مفيد

تصحيح اعتقادات الإمامية (شيخ مفيد رحمه الله)، ط. كنگرۀ شيخ مفيد

دلائل الإمامة (طبرى امامى رحمه الله)، ط. مؤسسة البعثة

إثبات الوصية (منسوب به مسعودى)، ط. انصاريان

مصباح المتهجد (شيخ طوسى رحمه الله)، ط. مؤسسة فقه الشيعة

مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (ابن‌شهرآشوب رحمه الله)، ط. علامه

إقبال الأعمال (سيد بن طاووس رحمه الله)، ط. القديمة - دار الكتب الإسلامية

مرآة العقول (علامه مجلسى رحمه الله)، ط. دار الكتب الإسلامية

كليات مفاتيح الجنان (شيخ عباس قمى رحمه الله)، ط. اسوه

معجم رجال الحديث (آيت‌الله خويى رحمه الله)، ط. مؤسسة الخوئي الإسلامية

فهرستگان نسخه‌هاى خطى ايران (مصطفى درايتى)، ط. سازمان اسناد و كتابخانۀ ملى

كتاب التحريش (ضرار بن عمرو)، ط. دار الإرشاد، إستانبول

المصنف (ابن ابى‌شيبه)، تحقيق كمال يوسف الحوت، ط. مكتبة الرشد

المعارف (ابن قتيبه)، تحقيق ثروت عكاشة، ط. الهيئة المصرية العامة للكتاب

الإمامة والسياسة (منسوب به ابن قتيبه)، تحقيق علي شيري

أنساب الأشراف (بلاذرى)، تحقيق محمد حميد الله، ط. دار المعارف بمصر

تاريخ الطبري (محمد بن جرير طبرى)، ط. دار المعارف

العقد الفريد (ابن عبدربه)، ط. دار الكتب العلمية

تثبيت دلائل النبوة (قاضى عبدالجبار)، ط. دار العربية، بيروت

العواصم من القواصم (ابن عربى)، ط. دار الجيل

الملل والنحل (شهرستانى)، ط. مؤسسة الحلبي

شرح نهج البلاغة (ابن ابی‌الحدید)، ط. مکتبة آیة الله المرعشي النجفي
میزان الاعتدال (ذهبی)، ط. دار المعرفة
سیر أعلام النبلاء (ذهبی)، ط. الرسالة
الوافي بالوفیات (صفدی)، ط. دار إحیاء التراث
لسان المیزان (ابن حجر عسقلانی)، ط. الهندیة - مؤسسة الأعلمي